

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا ۳۶۳

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲ خرداد ۱۳۸۶، ۲۳ مه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیریان
abdolgolparian@yahoo.com

عفو بین الملل خواهان آزادی فوری شیث امانی و صدیق کریمی شد



شیث امانی

انتشار بیانیه‌ای نگرانی خود را از احتمال بدرفتاری با شیث امانی، رئیس هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و صدیق کریمی، عضو هیئت مدیره این اتحادیه، که هنوز در زندانهای

صفحه ۵



صدیق کریمی

به دنبال دستگیری فعالین کارگری روز اول مه در سنندج، و به دنبال کمپین بین المللی برای اعتراض به این سرکوبها و آزادی بی قید و شرط این فعالین کارگری، سازمان عفو بین الملل، امنستیتی اینترنشنال، روز ۱۶ ماه مه با

نگاهی به تجربه اول مه ۱۳۸۶ سنندج و قدمهای بعدی

برگزاری اول مه شکل گرفت که با کمیته های از این نوع در سالهای گذشته متفاوت بود. تفاوت کمیته برگزاری اول مه سال ۸۵ با سالهای قبل این بود که حدود ۷۰ نفر از فعالین به توافق رسیدند در یک کمیته و با یک پلانفرم و یک قطعنامه وارد اول مه بشوند. این اتفاق افتاد و اول مه را برگزار کردند. اگر چه پارسال هم تجمع کارکن مورد یورش قرار گرفت اما با این وجود مراسم برگزار شد.

صفحه ۲

شهرهای کردستان بویژه سنندج به عنوان یک روز مهم و مبارزاتی در سطحی وسیع گرامی داشته شده و نزد کارگران و فعالین چپ جایگاه ویژه ای دارد.

فعالین کارگری در سنندج تجارب گرانبهایی در سالهای گذشته اندوخته اند. در دو سال گذشته اما تغییرات کمی و کیفی معینی اتفاق افتاده است. پارسال برای اولین بار یک کمیته وسیع از فعالین کارگری تحت عنوان کمیته



محمد آسنگران

اول مه در سنندج و دیگر شهرهای کردستان سالها است که به یک سنت مبارزاتی جاافتاده تبدیل شده است. هر ساله فعالین کارگری با تشکیل کمیته های برگزاری اول مه این روز را گرامی داشته و تجمعات متعددی را سازمان داده اند. تاریخاً این روز در

در تهران دو زن در اعتراض به برخورد ماموران حکومت روسی را برداشتند

صفحه ۷



پخش زنده کنگره حزب کمونیست کارگری از طریق اینترنت

صفحه ۳

خانواده صدیق کریمی و شیث امانی با آنها ملاقات کردند و شورای شهر سنندج به وعده های خود عمل نکرد

صفحه ۳

پیمان نعمتی به شش ماه حبس محکوم شد

صفحه ۴

کنگره ششم در پیش است کارگران و زحمکشان، زنان و جوانان، به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

صفحه ۵

کمک مالی کارگران عسویه به خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج

صفحه ۶

فراری دادن نیروهای سرکوبگر رژیم توسط جوانان در سنندج، محکومیت ۲ سال زندان برای محمد آرام نصرت پور

صفحه ۷

اخبار و اطلاعیه هایی از اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

صفحه ۸

مراسم باشکوه فستیوال شادی در دفاع از حقوق کودکان در مریوان برگزار شد

صفحه ۹

کارگران کف کار رشت مقابل استانداری تجمع کردند

صفحه ۹

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای، خواستار آزادی سریع شیث امانی، رئیس هیات مدیره، و صدیق کریمی، عضو هیات مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران، شد

صفحه ۱۰

گزارش تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان

صفحه ۱۰

مجمع عمومی انجمن کارگران خبازی های سقز برگزار شد کارگران نانوايي های سقز هنوز دستمزد سال ۸۴ را می گیرند

صفحه ۶

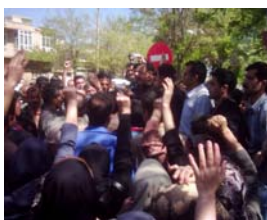
سوسیالیسم همین امروز

عبدالکلیریان

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نگاهی به تجربه اول مه . . .



امسال یعنی سال ۸۶ این حرکت یک قدم جدی دیگر به نسبت پاراسال و سالهای قبل به جلو برداشت. مهمترین تفاوت این بود که فعالین کارگری امسال قبل از اول مه یک تشکل فراگیر تحت عنوان "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" تشکیل داده بودند. این تشکل مرکز قدرت و تجمعش در شهر سنندج بود. در اولین مجمع عمومی این اتحادیه که در سنندج برگزار شد بر دو نکته اساسی در مورد اول مه تاکید کرد: ۱- اول مه کارگران تجمع و مراسم برگزار میکنند ۲- محمود صالحی اگر تا اول مه آزاد نشود خواست آزادیش یکی از خواسته های کارگران در این روز خواهد بود. (محمود صالحی چند روز قبل از این مجمع به دلیل فعالیت در اول مه سقز در سال ۸۳ به یک سال زندان محکوم شده بود)

این اقدامات نشان از آمادگی بیش از پیش کارگران برای برگزاری اول مه میداد. قبل از اول مه مسئولین این اتحادیه برای برگزاری مراسم و تجمع روز جهانی کارگزار فرمانداری و اداره کار تقاضای مجوز کردند که با جواب رد فرمانداری و بی توجهی اداره کار روبرو شد. شیت امنیتی رئیس هیئت مدیره این اتحادیه در یک مصاحبه مطبوعاتی به خبر گزاری ایلنا گفت که علیرغم جواب رد فرمانداری، کارگران مراسم اول مه را در مقابل اداره کار این شهر برگزار میکنند. این اولین بار در تاریخ جنبش کارگری کردستان بود که یک فعال کارگری با اسم و رسم حقیقی و واقعی خود در مقابل جواب رد مسئولین دولتی با اعتماد بنفس و صریح اعلام میبرد که کارگران علیرغم سیاست دولت مراسم خود را برگزار خواهند کرد.

این تصمیم به نمایندگی جامعه از جانب یکی از رهبران کارگری یک تغییر کمی و کیفی را نشان میداد. زیرا کارگران در مجمع عمومی این اتحادیه که ۱۵۰ نفر در آن شرکت کرده بودند تصمیمشان را میخواستند عملی کنند. این سبک و روش فعالیت که کارگران با اعتماد به نفس پا به میدان بگذارند و در مقابل سیاست سرکوبگرانه رژیم از

منافع و حقوق کارگران و کل جامعه دفاع کنند بسیار شور انگیز بود. این دفاعیات از طریق یک خبرگزاری رسمی در این کشور اعلام شد، که مصمم بودن کارگران در اجرای سیاست خود را نشان میداد. این اقدام در سه دهه اخیر در نوع خود اگر نگوییم بی سابقه اما کم نظیر بود. رودرویی کارگران و رژیم حامی سرمایه قبل از اول مه تا حدود زیادی حد و به درجه جوش رسیده بود. صف آرای هر دو قطب کاملاً مشخص بود. رژیم با زور و تهدید و سیاست سرکوب میخواست در مقابل کارگران مانع ایجاد کند و قبلاً محمود صالحی را به زندان انداخته بود، کارگران هم مصمم، متشکل و متحد با دیگر همکاران خود تصمیم گرفته بودند که مراسمشان را برگزار کنند.

بعد از این اتفاقات ما در سنندج شاهد دو نوع برخورد به اول مه بودیم. یکی سیاست متحد کننده اکثریت فعالین کارگری سنندج که در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار متشکل شده بودند و اعلام کرده بودند در مقابل اداره کار تجمع میکنند و دیگری تعدادی از فعالین که جای دیگری و با ویلاگ دیگری تحت عنوان کمیته برگزاری اول مه سفره خود را جدا کرده بودند. این پراکندگی نالازم و غلط بود. فعالین کارگری در سنندج تلاش کردند که این دو جمع در کنار همدیگر قرار گیرند و بعد از چند روز موفق شدند که هر دو فراخوان را یکی کنند. در نهایت فراخوان اول مه سنندج با امضای اتحادیه سراسر کارگران اخراجی و بیکار، کمیته هماهنگی و تعدادی از فعالین کارگری منتشر شد.

کارگران و مردم سنندج به این فراخوان متحد جواب مثبت دادند. فضای شهر در روز قبل از اول مه کاملاً تغییر کرده بود. همه میدانستند که مراسم در مقابل اداره کار خواهد بود و رژیم هم اعلام کرده است که اجازه نمیدهد. صبح روز اول مه نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و لباس شخصی محل و اطراف اداره کار را به کنترل خود در آورده بودند. مرتب به عابریین و کسانی که میخواستند وارد این محل بشوند

بازداشت کنند. کارگران اجازه ربودن این فعال کارگری را ندادند. شیت امنیتی توانست به کمک همکاران خود از محل دور شود. تعداد دیگری از کارگران در این جنگ و گریز زخمی و یا دستگیر شدند. صدیق کریمی یکی از اعضا هیئت مدیره این اتحادیه مورد ضرب و شتم نیروهای سرکوبگر قرار گرفت. تلاش کارگران برای آزاد کردن او از چنگ نیروهای امنیتی به جایی نرسید و او را بازداشت کردند. خالد سواری و تعداد دیگری بازداشت شدند اما بعد از ساعاتی خالد سواری آزاد شد.

تجمع کنندگان که مورد یورش وحشیانه نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفته بودند تعدادی پراکنده و تعداد بیشتری در خیابان به راهپیمایی پرداختند. این راهپیمایی هم مورد یورش قرار گرفت و تعداد دیگری از کارگران بازداشت و زخمی شدند. در این یورش وحشیانه نیروهای رژیم اسلامی از گاز و مواد سوزنده علیه کارگران استفاده کردند، که گویا ماده ای مرکب از فلفل و دیگر مواد سوزنده بوده و به چشم و صورت کارگران پاشیده شد.

در پایان این روز خبرها حاکی از این بود که بیش از ۲۰ نفر زخمی و حدود ۱۵ نفر بازداشت شدند. بازداشت شدگان به محل نامعلومی برده شدند. کارگران و خانواده های دستگیر شدگان در مقابل ستاد خبری سازمان اطلاعات رژیم در این شهر تجمع کردند و خواهان آزادی دستگیر شدگان شدند. به تجمع کنندگان گفته شد که بازداشت شدگان در کلانتری ۱۲ سنندج هستند. مردم به طرف این کلانتری راه افتادند. با تجمع در مقابل کلانتری یک بار دیگر یورش نیروهای انتظامی و امنیتی شروع شد. چند نفر بازداشت و خواهر صدیق کریمی که برادرش چند ساعت قبل بازداشت شده بود مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت.

روز بعد شیت امنیتی همراه خواهر صدیق کریمی به منظور تسلیم شکایت خانم کریمی از نیروهای امنیتی و انتظامی به دادگستری سنندج مراجعه کردند. همانجا شیت امنیتی بوسیله نیروهای انتظامی بازداشت و روانه زندان شد. تعقیب و بازداشت کارگران ادامه

داشت و تعداد دیگری هم از جمله خالد سواری و طیب چتانی بازداشت شدند.

به دنبال این اقدامات سرکوبگرانه تجمع خانواده ها و کارگران اتحادیه و مردم معترض در مقابل دادگستری و شورای شهر سنندج چندین روز متوالی ادامه داشت. در این فاصله دو نفر از بازداشت شدگان آزاد شدند. اما ۱۳ نفر از کارگران همچنان در بازداشت بودند. روزهای نهم و دهم مه ۱۱ نفر از کارگران بازداشتی با قید ضمانت ۵ میلیون تومانی آزاد شدند. مقامات رژیم اسلامی اعلام کردند که صدیق کریمی و شیت امنیتی قرار بازداشت یک ماهه دارند و آزاد نمیشوند.

در این فاصله نمایندگان اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار طی مذاکراتی با شورای شهر سنندج و دیگر مقامات دولتی در استان، تلاش کردند که دو نفر باقی مانده در زندان را آزاد کنند که به نتیجه نرسید. اکنون خانواده ها و اتحادیه تصمیم گرفته اند که برای آزادی دو نفر از رهبران این اتحادیه از زندان قطعنامه دیگری صادر کنند و از تشکلهای کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسانی بخواهند که برای آزادی این فعالین کارگری تلاش گسترده تری را در دستور قرار دهند.

موارد فوق شمه ای از رودرویی کارگران و رژیم اسلامی را در اول مه امسال و بعد از آن نشان میدهد. تجربه اول مه امسال یکی از تجارب گرانبهای کارگران و تشکلهای کارگری در سنندج است. تلاش و فعالیت کارگران سنندج در دو سال گذشته حامل تجارب و دستاوردهای بسیار با ارزش و گرانبها بوده است. تجربه اول مه ۸۶ اما نقطه عطفی در این راستا به حساب می آید.

برخلاف جریانات پرت* (۱) و غیر اجتماعی که از زاویه ای تنگ نظرانه و غیر کارگری این اتفاقات را مورد بحث و بررسی قرار داده اند، اول مه امسال یک قدرت نمایی آشکار کارگران با صفی متحد و یک پارچه بود. کارگران در سنندج امسال متشکل تر از همیشه و فعالین کارگری متحد تر از همیشه وارد یک کارزار جدی و رودرو با رژیم اسلامی و سرمایه داران شدند. این اقدامات تا کنون دستاوردهای غیر

نگاهی به تجربه اول مه . . .

قابل انکاری داشته است که میتواند سرمشق با ارزشی برای دیگر بخشهای کارگری و کل طبقه کارگر در ایران باشد. دستاوردهای این حرکت کارگری را باید ارج گذاشت و همه کارگران و فعالین کارگری لازم است از تجارب همکاران خود بیاموزند.

دستاوردها کدامند:

جامعه در جریان اول مه امسال تا کنون، بیش از پیش شاهد صفی از فعالین و رهبران کارگری شده است که تا قبل از این اتفاقات شناخته شده نبودند.

در جریان اول ماه مه و اتفاقات بعد از آن کارگران توانستند سخنجویان و نمایندگان خود را به جامعه معرفی کردند.

تعدادی از رهبران کارگری این شهر که قبلاً فقط در محدوده فابریک خاصی و یا در محدوده معینی در میان کارگران اخراجی و بیکار شناخته شده بودند اکنون اسم و رسم و عکسشان نه تنها در شهر سنج و در ایران بلکه در سطح وسیعی در ابعاد بین المللی شناخته شده و به چهره های محبوبی تبدیل شده اند.

کارگران در این حرکت بیش از همیشه متوجه يك حقیقت شدند که فقط با صفی متحد و یکپارچه میتوانستند این چنین در مقابل دشمنان طبقاتی شان ایستادگی

کنند.

نقش همسران و خانواده های کارگری در این مبارزه و تلاش برای آزادی دستگیر شدگان که با پیگیری و فداکاری کم نظیری همراه بوده است، يك بار دیگر اثبات کرد که فعالین کارگری باید متوجه این امر مهم بشوند. و همسران کارگران و خانواده های کارگری میتوانند و باید به عنوان بخشی از پیکر طبقه کارگر در تصمیم گیریها و مسئولیتها جایگاه واقعی خود را پیدا کنند. متأسفانه کارگران و رهبران کارگری تا کنون کمتر به این عرصه اهمیت داده اند.

فعالین کارگری با توجه به تجارب گذشته و بویژه اقدامات امسال برای برگزاری اول مه و هدایت اعتراضات اخیر برای آزادی همکاران خود بیش از پیش مورد احترام و جای اعتماد جامعه شده اند.

فعالین و رهبران کارگری با درایت و حفظ اتحاد و يك پارچگی خود تا کنون نشان داده اند که میتوانند رهبران واقعی و قابل اتکایی برای همه اقشار معترض جامعه باشند. اما تشبیت این دستاوردها و کسب اعتماد بیشتر و تبدیل شدن به رهبران لایق کل جامعه در گرو تلاش بعدی این فعالین برای بسیج گسترده مردم و آزادی همکاران خود در زندان است. اطلاع رسانی به موقع و مطلع

نگهداشتن جامعه از اتفاقات این دوره در جریان اول مه و بعد از آن از طریق سایتهای خبری و رسانه های جمعی در ایران، یکی دیگر از اقدامات با ارزش این فعالین بوده است و لازم است با دقت کامل همچنان ادامه داشته باشد.

اما با توجه به همه این دستاوردها قدرت و پتانسیل جنبش کارگری بیشتر از این است. تلاش برای کسب حمایت و توجه دیگر تشکلهای و فعالین کارگری و دانشجویان و کل جامعه هنوز در ابتدای کار است. لازم است با اقدامات معینی تعداد بسیار بیشتری در این راستا برای آزادی کارگران بازداشت شده وارد يك کارزار جدی و گسترده بشوند. این امر ممکن و عملی است اگر اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با قدرت و اعتماد بنفس بیشتری وارد میدان بشود.

از ابعاد فعالیت و نوع فعالیتی که مشاهده میشود مسئولین این اتحادیه هنوز در ابعادی کوچک فکر میکنند. هنوز قدرت و پتانسیل کل جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهان مردم در ایران را خطاب قرار نداده و راه دخالت گری آنها را نشان نداده اند. اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار اعلام کرده است در آینده قطعنامه ای برای آزادی کارگران بازداشتی صادر میکند و اقدامات دیگری را در دستور قرار میدهد. این حرکت خوبی است اما ابعاد این فعالیت نباید مثل موارد تا کنونی محدود باشد. اتحادیه و

خانواده های کارگری میتوانند با صدور يك قطعنامه خواهان آزادی کارگران بازداشتی اول مه سنج و همه کارگران و معلمان و دانشجویان بازداشت شده بشوند و به جمع آوری امضا مبادرت کنند. این قطعنامه را میتوانند در ابعادی وسیعتر از ایران در دسترس مردم قرار دهند که همه اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی بتوانند آنرا حمایت کنند. تشکلهای کارگری و فعالین کارگری در ایران از این طریق راحتتر میتوانند با يك امضا حمایت خود را اعلام کنند.

با این اقدامات میتوانند تدارك يك حرکت اجتماعی و وسیعتر را ببینند. جمهوری اسلامی این بار تصمیم گرفته است با زندانی کردن رهبران این اتحادیه و فعالین دانشجویی و معلمان هم ایجاد تفرقه کند و هم تخم محافظه کاری و ترس در میان کارگران و فعالین کارگری بکارد. جواب قدری رژیم و زندانی کردن فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی اقدامات پراکنده نیست. کارگران، فعالین کارگر، فعالین دانشجویی و معلمان و همه فعالین اجتماعی در ایران باید این تعرضات را با قدرت و به موقع جواب بدهند. تخصص و تجمع و امضای قطعنامه ای مبنی بر آزادی زندانیان و بازداشتیهای اخیر در دانشگاهها و مراکز کارگری و حمایت فعالین کارگری و ... اقداماتی فوری و عاجل برای آزادی دستگیر شدگان است و باید بدون فوت وقت دست بکار شد. برای آزادی زندانیان

سیاسی و آزادی کارگران و معلمان و دانشجویان احتیاج به يك کارزار وسیع و همه جانبه است. این کار را باید شروع کرد. رژیم با سیاست زندانی کردن فعالین و ایجاد رعب و وحشت میخواهد فعالین را دچار محافظه کاری و کنار کشیدن از عرصه های اصلی مبارزه کند. این سیاست را باید به شکست کشاند.

*(۱)

نمونه این نوع ارزیابی بیریست ارزیابی رحمان حسین زاده تحت عنوان "اگر پراکنده نبودیم" است. کارگران متحد را اول پراکنده توصیف میکند تا در قدم بعدی آنها را مورد حمله قرار دهد. ایشان به فعالین کارگری سرکوفت زده اند که حرف سازمان مطبوع ایشان را جدی نگرفته اند. کارگران تا دیروز از زبان لیدرایشان "نفهم، خر و بیخیال" توصیف شده بودند (با عرض معذرت از همه کارگران و خوانندگان عزیز) امروز به فرقه گرایی و سکتاریسم متهم شده اند و سازمان مطبوع ایشان با فرنجی و جامانه که مشغول کلاشینکف بازی و در حسرت تبدیل شدن به نیرویی مثل حزب الله و مقتدا صدریه سر میبرند را نمونه فعالیت درست متحدانه "کارگری" معرفی کرده است! امیدوارم که این دوستان سابق چشمهایشان را پاک کنند و دنیا را آنطور که هست ببینند و تحلیل کنند.

** *

پخش زنده کنگره حزب کمونیست کارگری از طریق اینترنت

از طریق آدرس <http://www.anternasional.tv/>

میتوانید مستقیماً کنگره ششم حزب کمونیست کارگری را دنبال کنید. صدا و تصویر جلسات کنگره از این طریق قابل دسترسی است.

روزهای شنبه و یکشنبه ۲۶ و ۲۷ ماه مه (۵ و ۶ خرداد ماه) از ۹ صبح به وقت اروپای مرکزی (۱۰ و نیم صبح به وقت ایران)

آدرس پخش زنده کنگره و تاریخ آنرا به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

خانواده صدیق کریمی و شیث امانی با آنها ملاقات کردند و شورای شهر سنج به وعده های خود عمل نکرد

روز پنجشنبه مورخه ۲۷/۲/۱۳۸۵ ما تلاشهای خود را کرده ایم و دیگر کاری از دست ما بر نمی آید. با پیش آمدن این وضعیت نمایندگان اتحادیه به شورای شهر اعتراض کرده و آنجا را ترك نمودند. لازم به یادآوری است که اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بزودی قطعنامه ای را در باره ادامه بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی صادر خواهد کرد که طی آن اقدامات بعدی خود را در هفته آینده در تلاش برای آزادی شیث امانی و صدیق کریمی اعلام خواهد نمود.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
۲۷/۲/۱۳۸۶

سوسیالیسم همین امروز

عبدل گلپریان



سوسیالیسم، خود به سخنگویان بورژوازی تبدیل شده و همان تقابل بورژوازی با خواست و مطالبه انسان را در ارائه تئوریهای زود است، نمیشه، جامعه هنوز عقب است، تکرار کرده اند.

در نقد عمیق و رادیکال این تئوریه‌ها زیاد گفته و نوشته ایم و باید مدام در مورد این تراوشات فکری و نظری بورژوازی در قالب احزاب و جریانات "چپ" و راست گفت و نوشت. چنانکه پیشتر گفته شد، مدافعین سرمایه، ناسیونالیسم، مسجد و کلیسا، آگاهانه و مستقیم در مقابل آرژوها و خواست واقعی بشر صف کشیده اند. احزاب و جریانات به اصطلاح چپ هم متأثر از این صف آرای بورژوازی عدم تحقق و یا زودرس بودن سوسیالیسم را در "نا آمادگی، عدم آگاهی جامعه و طبقه، عدم رشد فرهنگی، نابالغ بودن نیروهای مولده، ... در رسانه و دستگاههای تبلیغاتی خود مدام موعظه می کنند.

پاسخ ما به این صف روشن است. انقلاب و تغییر وضع موجود است. اما پاسخ ما به متاثرین از خط و تئوری های بورژوازی، مدام این بوده و هست که، چه از نقطه نظر سیاسی تئوریک و چه از نظر واقعیت وجودی زندگی امروز بشر، سوسیالیسم خواستگاه امیال و

برای کسانی که سالهاست با دنیای سیاست، سوسیالیسم، برابری و عدالت آشنا هستند و تلاش و آرزویشان تحقق این آرژوها است، از طرف دیگر دانشمندان می شنوند که سوسیالیسم و تحقق آن احتیاج به زمینه دارد، سوسیالیسم محتاج یک انقلاب فرهنگی است، کارگران و توده مردم هنوز سوسیالیسم برایشان جا نیافتاده، آگاهی ندارند، نیروهای مولده رشد نکرده و دهها نمونه از این ترها و ترمزها را در مقابل خود و طبقه کارگر، در مقابل جامعه و حزب ما مبینند. دارندگان چنین تئوریهایی که سوسیالیسم را به محل موکل میکنند چه بخواهند چه نخواهند مشکل جدی و اساسی شان این است که دارند ادبیات و تئوری های بورژوازی را در مقابل کارگران و مردم قرار میدهند.

هیچ نیرویی به اندازه سیستم فکری و توان و قدرت بورژوازی، در مقابل آرمان و آرژوهای بشر ایستادگی و مقاومت، زدن و کشتن و... از خود نشان نداده است. در یک کلام علت این مقاومت را باید در تلاش برای بقا و تداوم عمر سرمایه نگریست. تاریخ مبارزات انسانها برای رفاه، برابری، آسایش و امنیت، مملو از تلاش و مبارزه برای بهتر زیستن بوده است. اما در طول این تاریخ بسیاری از "مدافعین

آرزوی همیشگی انسان مدرن امروزی بوده و هست.

سوسیالیسم، آزادی و برابری قبل از اینکه در نظر و تئوری خود را نمایان کند، امروزه خواست، احساس و آرزوی هر انسانی در هر جامعه ای است که خود را لایق بهتر زیستن می داند. داشتن سهم برابر هر شهروندی از ثروت موجود در جامعه، رفاه، بهداشت، امنیت، صلح، آزادی و برابری، خواست و آرزوی هر انسانی است. شرایط و موقعیت امروز، دستاوردهای تا کنونی بشر آنچه امکانهای را فراهم ساخته است که برای پاسخ گویی به نیاز امروز انسان، فقط و فقط سوسیالیسم پاسخ برون رفت از وضع موجود است. هیچکس نمی تواند این آرزوی طبیعی و عینی انسان را مستقیماً انکار کند. در "زود است" و... به مقابله کمونیستها میپردازند، از سر آنچه که آرزو و آمل انسان است و آنچه که لیاقت و شایسته بهتر زیستن بشر است، حرکت نمی کنند. بلکه عدم آمادگی جامعه به یک زندگی آزاد و برابر را عمده میکنند. نمیگویند خودشان آمده نیستند و نمیخواهند. اعلام میکنند "نمیشود" چون "جامعه آمده نیست" آنهم ذهنیات متأثر از تبلیغات و تئوری های بورژوایی و هم آوایی با آن است.

تاریخ تکامل و دستاوردهای دنیای امروز، جای هیچ شبهه و گمانی را باقی نگذاشته است. ثروت تولید شده از قبل دست رنج طبقه کارگر و کل استعمار شدگانی که

خود از آن محروم و بی بهره هستند بوجود آمده است. کمونیستها تلاش میکنند که این سیستم وارونه را تغییر دهند. اکثریت تولید کنندگان محروم از نعمات زندگی عاشق و شیفته استثمار و فقر و نداری نیستند. دوست ندارند خود تمام نعمات زندگی را تولید کنند و اقلیت ناچیزی تمام ثروت جامعه را در دست خود بگیرد.

در دنیای موجود چرندیاتی از قبیل "عدم آمادگی طبقه کارگر و جامعه، عدم رشد فرهنگی، ناآمادگی نیروهای مولده و غیره، پوچ تر و بی معنی تر از آنست که بتوان در موردش بحث کرد. صورت مسئله به همین سادگی این است که نظام سرمایه داری حاکم با کمک مذهب، مسجد، کلیسا، ارتش، پلیس، زندان و اعدام و با همراهی دستگاه مهندسی افکار عمومی، به قدمت تاریخ موجودیتش، مانع از دست یابی بشر به یک زندگی آزاد و برابر بوده است.

برای یک لحظه اگر این ابزارهای سرکوب بورژوازی را خلع سلاح شده تجسم کنیم، و به جای سیستم و نظام فعلی در هر جامعه ای، نظامی حامی حقوق انسان و قوانینی در دفاع از تمام شهروندان جامعه، حقوق آنها را در تمام شئون زندگی روزمره برابر اعلام و عملی کند، چیزی نخواهد بود بجز سوسیالیسم. بنابر این جامعه سوسیالیستی یعنی جامعه ای که هیچ کس از دیگری برتر نیست. حقوق شهروندان به لحاظ انسانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، برابر است. سوسیالیسم

یعنی عدم فقر و گرسنگی، یعنی رفاه، امنیت و شادی، یعنی رشد و شکوفایی خلاقیت های انسان، یعنی برابری در استفاده از تمام امکانات زندگی.

اینها همان خواست و آرژوهای است که همیشه در زندگی اکثریت بالایی از انسانها همیشه مطرح است. اینها پایه های مادی، زمینی و واقعی سوسیالیسم است. تحقق این آرژوها و این حق طبیعی که تنها شایسته بشر است، نه با خواهش و تمنا قابل وصول است و نه با در انتظار نشستن در روز موعود. نظام سرمایه و حکومتهای موجود، از قبل دست رنج طبقه کارگر و استثمار شدگان جامعه سلاح کشتار انسان را برای بقا و حفاظت از نظم خویش در اختیار گرفته اند. از دست رنج این اکثریت تحت ستم چیره و مواجب ارتش و پلیس و حزب الله و بسیجی و آخوند و... پرداخت می شود. از قبل این دست رنج این اکثریت، زندان و شکنجه گاه و دستگاه تحمیق ساخته می شود و هزار و یک هزینه ریز و درشت دیگر را برای قیچی کردن و خفه کردن آرژوهای بشر بکار می گیرند. اینجاست که تحقق و به سرانجام رسانیدن سوسیالیسمی که اساس هستی و زندگی انسان را تشکیل می دهد، تنها با برانداختن نظام های حاکم و حامی وضع موجود می توان متحقق گردد. این رسالت را طبقه کارگر و تمامی مردم ستمده ای که زندگی شان به تیاهی کشیده شده است بر عهده دارند.

* * *

جریان اول مه بازداشت شده اند را به میدان بیاورند. این زندانیان بدون قید و شرط باید آزاد شوند. برای آزادی این عزیزان باید کارزار وسیعی راه انداخت.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۶ دیهشت

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

پیمان نعمتی به شش ماه حبس محکوم شد

وسیع از این فعالین را محکوم، تعلیق و بازداشت کرده است. این سیاست سرکوبگرانه باید با جواب قاطع و گسترده مردم مواجه شود. جمهوری اسلامی با این تفلایهای مزبوحانه می خواهد چند صباحی بر عمر نگین خود بیفزاید. مردم نباید به این رژیم مجال بدهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادخواه را به مقابله با این سیاستهای سرکوبگرانه فرا میخواند. در سنندج صدیق کریمی، شیث امانی و محمود

پیمان نعمتی عضو هیأت تحریریه نشریه تحلیلی خبری هاوری می باشد که در پی تجمع اعتراضی سال گذشته دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج، به یک ترم تعلیق از تحصیل محکوم شده بود. دستگیری، زندانی کردن و تهدید فعالین کارگری، دانشجویی و فعالین جنبش برابری طلبانه زنان سیاستی است که جمهوری اسلامی با شدت در حال اجرای آن است. رژیم اسلامی برای مقابله با جنبشهای اعتراضی در چند ماه اخیر تعداد

شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج پیمان نعمتی دانشجوی ترم آخر مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد سنندج را به شش ماه حبس محکوم کرد. پیمان نعمتی روز جهانی زن در جریان مراسم ۸ مارس در سنندج دستگیر و پس از چند روز بازداشت، با قرار وثیقه آزاد شد. طبق خبر رسیده نامبرده در شعبه دوم دادگاه انقلاب سنندج به شش ماه حبس و به مدت سه سال تعلیق محکوم گسردید.

کنگره ششم در پیش است کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان به حزب کمونیست کارگری پیوندید!



محمد امین کمانگر

پیشروی جنبش سرنگونی واستحکام وموقعیت چپ و دست بالا داشتن آن در جامعه بستگی به حزبی قدرتمند، حزبی فعال وتیزبین، حزبی جسور وپیشرو دارد که در صحنه سیاسی جامعه بعنوان بازیگر اصلی ظاهر شود و بتواند اقتدار مردم را از بی تفاوتی ای که بر اثر فشار جامعه بر آنها وارد شده است را در بیاورد و بدنبال اهداف انسانی طبقه کارگر وارد میدان عمل نماید. و یک حرکت عظیم را بسوی انقلاب سوسیالیستی که نیاز بشر امروز است را هدایت کند.

گرفتناریهائی بیشمار روزانه و دویدن بهر سوی جهت پیدا کردن قرص نانی فقط برای زنده ماندن، دمار از روزگار مردم در آورده است. در این دوره از حیات رژیم فاشیستی اسلامی ایران و در این دوران سیاهی که به مردم تحمیل شده، در این شرایط نا امنی و بی حقوقی که مردم در آن قرار گرفته اند، جامعه به حزبی بزرگ به حزبی با اراده و قاطع، به حزبی مصمم از هر لحاظ احتیاج دارد تا بتواند در دل این شرایط سخت و دشوار جامعه را بجلو سوق دهد. مردم به چنین حزبی احتیاج دارند که بتواند دور آنها و تحولات احتمالی آینده را برای توده ها به تصویر بکشد و راه نشان دهد.

اولین گام این حرکت عظیم ساقط کردن رژیم ضد انسانی اسلامی توسط انقلاب کارگران وزحمتکشان و سازماندهی توده ها برای گام بعدی یعنی بوجود آوردن جمهوری سوسیالیستی براساس اراده توده ها می باشد، در چنین شرایطی مردم به چنین حزبی و به چنین جریانانی احتیاج دارند. حزب کمونیست کارگری ایران باید بتواند این رسالت را به سرانجام برساند.

جمهوری اسلامی میخواهد با سیاست تهدید و ارعاب، ضرب شتم وسیع، دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری و کارگران مبارز فعالین جنبشهای اجتماعی از مردم زهرچشم بگیرد. اما علیرغم این فشارها، حضور وسیع کارگران در اول ماه مه و چکش سنگین این طبقه که در آن روز برفرق سر سران رژیم با شعار آزادی، برابری و حکومت کارگری کوبیده شده قدرت عظیم این طبقه را بنمایش گذاشت.

و همچنین فشار مردم تشنه آزادی و متنفر از هرچه بساط مذهب ودوایر مذهبی، آخوند وزندان وزندان بان و مامورین ریزودرشت رژیم نشان از این دارد که مردم عزم جزم کرده اند که بساط این رژیم را در هم بکوبند. حزب ما باید در قامت رهبری این جنبشهای اعتراضی ظاهر شود و افق چپ و سوسیالیستی را به پرچم این اعتراضات تبدیل کند. این انتظار روشن مردم از حزب ما و کنگره ششم حزب ماست.

جمهوری اسلامی با جامعه ای جوان و پر جوش و خروش روبرو است که امید خود را نه به گذشته بلکه به آینده بسیار روشن گره زده است. این نیروی عظیم جوان خواهان تغییرات بنیادی و اساسی در کشور است، اینها همان نیروهای مدرن و رادیکالی هستند که چندی پیش پروژه دو خرداد و اصلاح رژیم اسلامی و نیروهای مدافع این خیمه شب بازی را با پوزخند به آنان، پشت سر نهاده اند. همه این آبرویا ختگان طیف و فرقه های مختلف توده ای اکثریتی، جبهه ملی، نهضت آزادی، عناصر و نیروهائی بودند که در تشبیت و قدرتگیری رژیم اسلامی در تقابل با چپ و مدرنیسم کمک زیادی کردند. اینها قدرت مردم را دیدند. قدرت واز خود گذشتگی کارگران در اعتراضات واعتصابات چند ساله اخیر و بویژه در اول ماه مه امسال دیدند، شعارهای آنان را شنیدند. مدتهاست که زیر پایشان را خالی

می بینند و گوشه گیر و حاشیه ای شده اند. دست بر پیشانی گذاشته و دارند اشک می ریزند زیرا که حکومت محبوب "ضد امپریالیزم" شان بر دریائی از نفرت بحق مردم قرار گرفته است.

اما علیرغم وجود این نیروها، آنچه تحولات سیاسی آینده ایران را رقم خواهد زد، تقابل دو نیروی اصلی آن جامعه است. حزب کمونیست کارگری ایران مدعی قدرت سیاسی بعنوان نیروی اصلی در تعیین تحولات بنیادی جامعه است. از طرف دیگر نیروی راست پرو غرب. صف آرای این دو طبقه متخاصم اجتماعی، بعنوان کارگران وزحمتکشان استثمار شونده که اکثریت جامعه را در بر می گیرند، و اقلیتی استثمارگر بعنوان سرمایه دار در کشمکش حاد طبقاتی در مقابل هم قرار خواهند گرفت. اوضاع ایران در گرو پیروزی یکی از این دو آلترناتیو است، نظام سرمایه داری و بربریت؟ یا سوسیالیسم و انسانیت؟

این انتخابی است پیش روی مردم و راه گزینی هم از آن نیست. حزب کمونیست کارگری ایران دیگر امروز حزب سیاسی این جنبش است و بشهادت دشمنان این حزب، این جنبش، حرفش، عملش، حرکاتش، شعارهایش با شعارهای حزب ما

تداعی می شود. بنابراین کنگره ششم حزب باید برای سازمان دادن و متحد کردن هر چه بیشتر کارگران وزحمتکشان و اقشار مردم آزادیخواه و متشکل کردن و **بخصوص متشکل نگاه داشتن آنان** و تامین و تضمین اعمال اراده مستقیم آنان در دل حادثترین شرایطی که در پیش است حزب را به حزب رهبر و سخنگوی انقلاب آینده ایران تبدیل کند و اکثریت مردم را به میدان مبارزه بکشاند و آنان را برای مقابله با هر نوع شرایطی از حمله نظامی آمریکا گرفته تا کودتا و یا تغییر رژیم از بالا که ممکن است پیش آید، نهایت استفاده را به نفع مردم و برای تحقق جمهوری سوسیالیستی بنماید. نباید اجازه داد که مبلغین و ایدئولوگهای ضد انقلاب و دول غربی، بجای آزادی و برابری در بین انسانها و بجای مسکن رفاه و بهداشت و آموزش رایگان، زندان و اختناق و حکومت پلیسی دیگری به مردم قالب کنند و مردم را به بهانه بازسازی سرمایه داری ایران در فقر و فلاکت نگه دارند.

کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، مردم مبارزو آزادیخواه! فرصت پیش آمده را نباید از دست داد دوران تعیین کننده و حساسی را پیش رو داریم در طول صد و چند سال گذشته این اولین

فرصتی است که برای رهایی مردم ایران از قید و بند مذهب و حکومت مذهبی و حاکمان دیکتاتور که بر ما و نسلهای قبل از ما حاکمیت کرده اند پیش آمده است. حزب کمونیست کارگری ایران با آرمان و اهداف روشنش و برنامه گویایش در صحنه سیاسی ایران ظاهر شده است حزبی که می خواهد به کمک تک تک شما به این بردگی و بندگی خاتمه دهد و جامعه ای را بنیان نهد فارغ از فقر و خشونت، سیاه روزی و نابرابری، دنیائیکه آرزوهای درخشان انسان به واقعیت پیوندد.

و این هم شدنی است، باور کردنی است، تنها شرط آن تلاش و نقش آگاهانه شماها در این مسیر است. با پیوستن دسته دسته از شماها به این حزب پرونده ارتجاع و ارتجاعیون و استثمارگران در ایران برای همیشه بسته خواهد شد.

فقط کمونیسم است فقط چپ است، فقط ما هستیم که آینده بشریت را تضمین می کنیم. این حزب قدرت این را دارد، توان این را دارد، شهامت و جسارت این را دارد که دنیای بهتری را بسازد، پس باید به این حزب پیوست.

زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران.
۱۶ می ۲۰۰۷

عفو بین الملل خواهان آزادی فوری ...

از صفحه ۱

دستگیری فعالین اعتراضات زنان و دانشجویان نیز اشاره کرده و از همه میخواهد که با نوشتن نامه های اعتراضی به سران جمهوری اسلامی به زبانهای مختلف، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط این زندانیان سیاسی گردیده است. حزب کمونیست کارگری، از همه سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان میخواهد که به کمپین اعتراض علیه جمهوری اسلامی برای آزادی فوری شیث امانی، صدیق کریمی، محمود صالحی فعال اول مه سقر و کلیه معلمان و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی پیوندند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ مه ۲۰۰۷، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۶

جمهوری اسلامی بسر می برند، ابراز داشت. امنستی در بیانیه خود خواهان آزادی فوری آنها شده و اعلام کرده است که این دو نفر زندانی سیاسی هستند و تنها جرم آنها بیان عقیده سیاسی آنها بوده است. بیانیه امنستی یادآوری میکند که شیث امانی و صدیق کریمی بدون اینکه جرائمشان معلوم شود، در بازداشتگاهی که بر جامعه پوشیده نگه داشته شده است، نگهداری میشوند. این بیانیه با اشاره به دلیل دستگیری شیث امانی و صدیق کریمی، و همچنین با اشاره به سابقه مبارزات اخیر کارگران در سندانج و تهران بر علیه وضع موجود و با اشاره به اعتراضات اخیر معلمان و دستگیری تعداد قابل توجهی از فعالین اعتراضات اخیر آنها در شهرهای مختلف از جمله همدان، به

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مجمع عمومی انجمن کارگران خیابانی‌های سقز برگزار شد کارگران نانوائی‌های سقز هنوز دستمزد سال ۸۴ را می‌گیرند

سندج- خیرگزاری کار ایران

مجمع عمومی انجمن صنفی کارگران خیابانی‌های سقز و حومه، با هدف اعلام گزارش عملکرد هیات مدیره و اتخاذ تصمیم در رابطه با شیوه قانونی دستمزد جدید سال ۸۶ و نحوه پیگیری آن برگزار شد.

به گزارش ایلنا، رییس انجمن صنفی کارگران خباز با اشاره به وظیفه این انجمن در دفاع از حق و حقوق قانونی و ارتقای سطح فرهنگ این کارگران، گفت: هماهنگی و هم‌سویی کارگران وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌ها و مطالباتشان است.

محمد احمد پور از مسوولان خواست تا به جای حساسیت و سوءظن نسبت به کارگران خباز، به تدبیرهای مناسب برای اجرای قانون و مصوبه شورای عالی کار و احقاق حقوق کارگران بیندیشد که نتیجه آن، آرامش، امنیت و رضایت کارگران خواهد بود.

وی با بیان اینکه کارگران خیابانی‌های سقز هنوز با دستمزد سال ۸۴ کار می‌کنند، گفت: این در حالی است که هزینه‌های زندگی و بیمه چندین برابر شده‌است.

وی افزود: ما در سال گذشته ۱۷ نامه و در سال جاری نیز تاکنون ۲ نامه به مسوولان مربوطه نوشته و جلساتی برگزار کرده‌ایم، اما تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم و دستمزدها افزایش نیافته است.

احمد پور گفت: تنها راه باقیمانده، ارائه دادخواست به اداره کار است.

در پایان کمیته‌ای ۱۱ نفره برای پیگیری مطالبات کارگران و رایزنی با مسوولان و مقامات مربوطه به مدت یک هفته تشکیل شد و در صورتی که پس از اتمام این هفته به نتیجه نرسند، واکنش‌های دیگری نشان خواهند داد.

یکی از کارگران خباز در حاشیه این مراسم در مورد گلایه مردم از کیفیت نان، گفت: کیفی‌سازی بهتر نان نیازمند افزایش کیفیت آرد و ایجاد انگیزه بیشتر در کارگران خباز و توجه به مسائل آنان است که کسب سود بهتر، رقابت سالم و رضایت

مردم را در پی خواهد داشت.

نساجی خاتم الانبیا بوکان تعطیل شد ۳۴ کارگر این واحد ۶ ماه است هیچ حقوق و مزایایی نگرفته‌اند

معاون خانه کارگر آذربایجان غربی گفت: با مصوبه کمیسیون امنیت کارگری شهرستان بوکان، کارخانه نساجی خاتم الانبیا تعطیل شد.

علی صحرانورد، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، افزود: پس از بحث‌های فراوان، در نهایت مسوولان شهرستان بوکان به این نتیجه رسیدند که تنها واحد تولید کننده روکش صندلی‌های محصولات ایران خودرو را تعطیل و کارگران را طبق قانون با سالی یک ماه حق سنوات برای همیشه به مرخصی دایمی بفرستند.

وی گفت: ۳۴ کارگر این واحد ۶ ماه است که هیچ حقوق و مزایایی نگرفته‌اند، علاوه بر اینکه عیدی سال ۸۵ را هم از کارفرما طلبکارند.

افخمی نماینده کارگران کارخانه نساجی خاتم الانبیا بوکان نیز در این رابطه گفت: درست است که این واحد نساجی به بانکهای عامل بدهکار است، اما این دلیل نمی‌شود که کارخانه را به تعطیلی کشاند. نماینده کارگران تصریح کرد: متأسفانه مسوولان کمیسیون امنیت کارگری بوکان در یک اقدام عجولانه تصمیم بر تعطیلی کارخانه نساجی خاتم الانبیا گرفتند و با این کار موجب بیکاری کارگران شدند.

افخمی افزود: ما کارگران به جد از مسوولان کشور و استان می‌خواهیم تنها کارخانه تک محصول خاورمیانه را از بحران تعطیلی نجات دهند.

محمد آسنگران: این دو گزارش که خبرگزاری ایلنا منتشر کرده است گوشه کوچکی از شرایط سخت و استثمار شدید کارگران را نشان میدهد. معلوم است از خانه کارگر و مسئولین آن انتظاری نیست

اما آش آنچنان شور است که این ارگان ضد کارگری رژیم اسلامی هم زبان به انتقاد گشوده است. اینجاست اما اهمیت این گزارشات اینجا است که فعالین کارگری با سیاست معینی ظاهر شده‌اند. توقعات معینی را مطرح کرده‌اند و باید به آن پرداخت.

قبلاً لازم است تاکید کنم که این قابل فهم است کارگری که در ایران و زیر تیغ سانسور و تهدید سرکوب زندگی میکند ادبیات قابل طرحی را در این فضا بکار ببرد و سیاست منطبق بر تعادل قوای موجود را بیان کند. اما این سیاست و ادبیات که از زبان این کارگران مطرح شده است از فضای موجود جنبش کارگری و از تعادل قوای فعلی بسیار عقب است.

اگر فرض را بر این بگذاریم که ایلنا این مباحثات را بدون سانسور از زبان این کارگران مطرح کرده باشد چند اشکال اساسی دارد که باید به آن پرداخت. حتی اگر این کارگران چنین مباحثی را طرح نکرده باشند مهم این است که این نوع نگاه و این نوع اعتراض در جنبش کارگری صاحبانی دارد باید به آن جواب داد.

این نوع نگاه اساساً به آن بخش از فعالین کارگری مربوط است که هنوز چشم امید به مسوولان حکومتی دارند و یا به قول خودشان میخواهند در چهار چوب قانون فعالیتشان را پیش ببرند. این گرایش اتفاقاً جایگاه معینی در جنبش کارگری دارد و در مبارزات کارگری، در اول مه تهران و در نوع تشکل سازی و ایجاد سنگرهای کارگری در مقابل سرمایه داران و ... خود را نشان داده است.

کارگری که چشم امید به بخشی از مسوولان دولتی دارد که کاری برای کارگران انجام بدهند، کارگری که هنوز در پی عملی کردن قانون کار ضد کارگری جمهوری اسلامی است و میگوید با اجرای این قانون مصوب شورای عالی کار حقوق کارگران محقق میشود! کارگری که میخواهد با دیدن اختلافات درون جناحهای رژیم بقول خودش از یک طرف دعوای انتظار داشته باشد که کاری برایش انجام بدهد، کارگری که

فقط از راهای قانونی میخواهد به مطالباتش برسد و... نشان میدهد که به قدرت و نیروی طبقه خود اتکا نمیکند. صاحبان چنین دیدگاهی خواسته یا نخواستہ در جایی ایستاده‌اند که نمیتوانند به قدرت اتحاد کارگران اتکا کنند و به همین دلیل برای ایجاد این اتحاد تلاشی هم نمیکند. زیرا احتیاجی به آن ندارند. حتی اگر چنین تلاشی انجام بدهد برای بازی در چهار چوب قانونی و چانه زدن با دولت است که بیاید "قانون مصوب شورای عالی کار را اجرا کند" نه تلاش برای تحمیل مطالبات خود با قدرت اعتراض کارگری. دولت و سرمایه داران هنگامی که چنین اعتراض نرم و قانونی را ببینند معلوم است که خطری را بر بالای سر خود احساس نمیکند.

این دیدگاه نه کمکی به کارگران میکند و نه میتواند همین مطالبات حد اقلی را هم بدست بیاورد. این دیدگاهی است که امروزه یکی از موانع راه پیشروی و اتحاد کارگران است. علیرغم میل خود این کارگران با چنین تحلیل و ارزیابی نمیتوانند همان دستمزدهای معوقه و مانع از بیکار شدن را هم عملی کرد. امیدوارم که بین دوستان کارگر متوجه این مسئله مهم بشوند که با

این تاکتیکها نمیتوان به جایی رسید. چند سال قبل شاید چنین تاکتیکی تعجب کسی را بر نمی‌انگیخت. اما امروز با توجه به تعادل قوای موجود انتظار از نتایج نامه نگاری با مقامات رژیم و توقع از مسئولین دولتی زیادی توهم برانگیز است و به نسبت دستاوردهای تا کنونی کارگران عقب است.

بدون شك باید در مقابل این تاکتیک محافظه کارانه ایستاد. باید کارگران بیش از پیش به نیروی متحد خود اتکا کنند. اگر دولت و کارفرمایان بدانند که مقاومت در مقابل خواست کارگران نتیجه منفی خواهد داشت و اعتراض اجتماعی را به دنبال دارد، آن وقت ناچار میشوند که به خواست و حرف کارگران گوش کنند. دولت و سرمایه داران باید بدانند که مقاومت آنها در مقابل کارگران خطر اعتراضات وسیعتری را به دنبال دارد تا ناچار به قبول خواست کارگران بشوند. در طول تاریخ تا کنون باید ثابت شده باشد که دولت و کارفرما فقط هنگامی به خواست کارگران تن میدهند که متوجه خطر به میدان آمدن کارگران بشوند.

کمک مالی کارگران عسلویه به خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج

روز شنبه ۲۹ اردیبهشت مبلغ چهار میلیون ریال کمک مالی جمع آوری شده توسط کارگران عسلویه تحویل اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار شد. این کمک در پی یورش به مراسم اول ماه مه در شهر سندج و بازداشت ۱۳ نفر از کارگران شرکت کننده در این مراسم و در همبستگی با کارگران بازداشتی ظرف روزهای گذشته توسط کارگران عسلویه جمع آوری و روز شنبه در اختیار اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار قرار گرفت.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار دست همه کارگرانی را که در عسلویه از دستمزدهای ناچیز خود مبلغی را برای خانواده های کارگران زندانی در سندج اختصاص داده و اقدام به جمع آوری کمک مالی برای آنان کردند به گرمی می‌فشارد و به همه آنان درود می‌فرستد.

بی تردید ما کارگران تنها با اتکا به نیروی متحد و متشکل خود، قادر خواهیم شد سد محکمی در برابر تعرض هر روزه صاحبان سرمایه به حقوق انسانی خود ایجاد نموده و برای همیشه به نکیستی که نظام سرمایه داری بر زندگی ما و خانواده هایمان تحمیل کرده است پایان دهیم.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار
۲۹/۲/۱۳۸۶

www.ettehade.com
k.ekhradj@jmail.com

در تهران دو زن در اعتراض به برخورد ماموران حکومت روسی را برداشتند



مویایل به مویایل دارد میچرخد." تعرض اوباشان حکومت قرار مردم کوتاه نمی آیند. علیرغم همه سببیتی که رژیم نشان میدهد، حتی آنجا که میزند و دستگیر میکنند در اعتراض روسی را بر میدارند. مردم از دختران و زنانی که مقاومت و اعتراض میکنند حمایت میکنند و آنها را فراری میدهند. همه جا صحنه های خشم و انزجار علیه حکومت است. حکومت زورش نمیرسد و حریف مردم نمیشود. این حکومت فقط شایسته سرنگونی است. حزب همه مردم را به حمایت از زنانی که مورد

حالی سوار ماشین شدند که لباس هایشان در جریان درگیری پاره شده بود و دیگر حاجبی بر سر نداشتند." یکی از گزارشگران حزب کمونیست کارگری میگوید: "روز یکشنبه وقتی ساعت ۶ عصر به میدان هفت تیر رسیدم حدود ۲۰۰۰ نفر بطور پراکنده در میدان بودند. بحث از مادر و دختری بود که بخاطر فیلم گرفتن از صحنه دستگیری دختران، کتک خورده بودند. عکسی که برایتان میفرستم

عصر یکشنبه نیز میدان هفت تیر تهران شاهد تجمع اعتراضی مردم و مقاومت در مقابل برخوردهای جنایتکارانه حکومت اسلامی بوده است. همین گزارش به نقل از یکی از مغازه داران میدان هفت تیر میگوید: "ماموران زن به سه دختر ۲۵ تا ۳۰ ساله در باره حاجباشان تذکر دادند، اما این تذکر با لحن تندی انجام گرفت که باعث برانگیختن واکنش آنها شد. یک پلیس زن سعی داشت با کشیدن دست یکی از دختران سعی در سوار کردن او به ماشین داشته باشد، اما او حاضر به سوار شدن نبود. مامور مرد هم با پای خود به ساق پای زن جوان زد. این ماجرا باعث دخالت مردم شد. این سه زن سرانجام توسط حاضران در میدان هفت تیر از صحنه خارج شدند و با یک ماشین سمند از صحنه دور شدند. آنها در

این عکس صحنه ای از رفتار آشنای حکومت اسلامی با زنان را نشان میدهد. این زن جوان را به این خاطر که مشغول فیلم گرفتن از برخورد سرکوبگرانه ماموران با دختران "بدحجاب" بوده است، مورد ضرب و شتم قرار داده اند. این صبح یکشنبه در میدان هفت تیر تهران اتفاق افتاد. زن جوان در اعتراض به این رفتار سبعانه روسی خود را برداشته است.

سازمان زنان ایرانی به نقل از یکی از رانندگان تاکسی در باره درگیری صبح در میدان هفت تیر گفته است: "صبح روز یکشنبه هم ماموران با رفتار تندی دختر جوانی را به دلیل بدحجابی کشان کشان سوار خودرو نیروی انتظامی کردند و با خود بردند. فریاد های این دختر جوان اعتراض مردم را نیز برانگیخت."

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۰۷ هـ ۲۰
۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶



محمد آرام نصرت پور به دو سال زندان محکوم شد

مارس ۸۶ دستگیر شده بود به شش ماه زندان محکوم شد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی را محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی است. کارگران، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه! جمهوری اسلامی مستاصل و نگران از تعرض شما اقدامات سرکوبگرانه خود را شدت بخشیده است. در مقابل این احکام سرکوبگرانه باید ایستاد. فعالین و زندانیانی که به دلیل فعالیت سیاسی و صنفی به زندان محکوم شده اند چشم به انتظار شما مردم هستند. این عزیزان را نباید تنها گذاشت. برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی باید به میدان آمد. جمهوری اسلامی باید در مقابل هر بازداشتی صفتی وسیع از اعتراض و مبارزه را در مقابل خود ببیند تا ناچار به عقب نشینی شود.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

دادگاه انقلاب اسلامی سنندج، یک شهروند سنندجی به نام محمد آرام نصرت پور معروف به (شوان) را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دو سال حبس محکوم کرد. نامبرده اواخر سال گذشته مدتی را در بازداشت بسر برد و با قرار وثیقه آزاد شده بود. دادگاه بدوی او را به هفت سال حبس تعزیری محکوم کرده بود. دادگاه تجدید نظر این حکم را به دو سال کاهش داد. در چند ماه اخیر تعداد قابل توجهی از فعالین سیاسی و اجتماعی در کردستان به زندان برده شده و حکم گرفته اند. در همین یک ماه اخیر محمود صالحی با حکم یک سال زندان به زندان سنندج برده شد. ۱۵ نفر از کارگران در جریان اول مه سنندج بازداشت و بعد از ده روز سیزده نفرشان آزاد شدند. از این جمع بازداشت شده شیث امانی و صدیق کریمی از مسئولین اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار همچنان در زندان هستند. پیمان نعمتی هم که قبلاً در جریان مراسم ۸

جوانان در سنندج نیروهای سرکوبگر رژیم را فراری دادند

توهین و بی حرمتی ماموران سرکوبگر رژیم به جوانان دختر و پسر بوده است. در تهران طرح رژیم در برخورد به "بدحجابی" دارد به عکس خود تبدیل می شود. در مواردی اعتراض به این دست درازی مامورین دولتی دختران حجاب را از سر خود برداشته اند. تلاش و تقلا رژیم با پدیده "بدحجابی" تلاشی از سر استیصال و درماندگی است. مردم میتوانند و باید در این عرصه هم رژیم اسلامی را شکست بدهند. کمیته کردستان حزب از همه جوانان و مردم می خواهد که در مقابل این توهین آشکار به شهروندان جامعه، بایستند. با تجمع های بزرگ و سازمانیافته نیروهای سرکوبگر را فراری دهید و اجازه تعرض به آنها ندهید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۰۷ هـ ۲۰، خرداد ۱۳۸۶

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، روز سه شنبه ۱ خرداد ۱۳۸۶، خیابان پاسداران سنندج شاهد برخورد جوانان و نیروهای سرکوبگر رژیم بود. بنا به این خبر چند روزی است گشتیهای ارشاد، در ادامه طرح سراسری برخورد با "بدحجابی" در خیابانهای شهر به جان جوانان و مردم افتاده اند. در همین روز جوانی که بخاطر موهای بلند از سوی نیروهای پلیس دستگیر شده بود، مورد حمایت فوری و گسترده مردم قرار گرفت. مردم با مقاومت و تجمع بیش از ۲۰۰ نفر توانستند این جوان را از دست نیروهای رژیم نجات داده و از محل دور کنند. بعد از آزاد کردن این جوانان مردم با تجمع گسترده خود، با سوت زدن و هو کردن ماموران آنها را فراری دادند. از هنگامیکه از آغاز اجرای طرح برخورد با "بدحجابی" در سنندج می گذرد، تا کنون جوانان زیادی به خاطر آنچه که از سوی رژیم "بدحجابی" خوانده می شود دستگیر شده و در اداره پلیس مو و ملل موی صورت آنان را زده اند. در طول هفته های اخیر شهرهای بسیاری، شاهد تعرض،

قطعنامه نشست هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره تداوم بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی

۲۰ روز از بازداشت شیث امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، به دلیل شرکت در مراسم اول ماه مه در شهر سنندج می گذرد. در طول این مدت تلاشهای اعضای اتحادیه و خانواده های آنان برای آزادی شیث امانی و صدیق کریمی نتیجه ای در پی نداشته و دادستانی سنندج به خانواده های آنان اعلام کرده است که صدیق کریمی و شیث امانی یک ماه بازداشت موقت با قرار قابل تمدید بازداشت موقت بر روی پرونده هایشان خورده است و تا زمان خاتمه قرار بازداشت موقت که ممکن است ماهها نیز طول بکشد، به دادستانی مراجعه نکنند و یا به فکر گرفتن وکیل برای آنان نباشند.

چنین وضعیتی غیر قابل تحمل است، از یک طرف کارگران را به دلیل برگزاری مراسم اول ماه مه مورد ضرب و شتم قرار داده و زندان می افکنند و از سوی دیگر اعلام میکنند تا خانواده هایشان در پی تلاش برای رسیدگی به وضعیت آنان نشوند.

این وضعیت نقض ابتدائی ترین حقوق شهروندی انسانها است و ما در قبال آن سکوت نخواهیم کرد.

در این راستا اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار اعلام میدارد:

۱- بنا بر حقوق انسانی ما و بنا بر مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار که دولت جمهوری اسلامی توافق به اجرای آنها کرده است، برگزاری مراسم اول ماه مه، بر پایی تشکل کارگری و تجمع اعتراضی حق مسلم کارگران است.

۲- شیث امانی و صدیق کریمی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. این کارگران کاری جز شرکت در مراسم اول ماه مه و دفاع از

حقوق انسانی خود انجام نداده اند، لذا ما پیشاپیش طرح هر گونه اتهام دیگری را به شیث امانی و صدیق کریمی بشدت محکوم میکنیم و همین امروز و فوراً خواهان آزادی آنان هستیم.

۳- ما ضرب و شتم و بازداشت کارگران را در مراسم اول ماه مه سنندج محکوم می کنیم و خواهان رفع هر گونه اتهام از همه کارگرانی هستیم که در مراسم اول ماه مه سنندج بازداشت و سپس با قرار کفالت پنج میلیون تومانی آزاد شده اند.

۴- ما خواهان عودت اسناد اتحادیه از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی و محاکمه عاملین و آمرین حمله به مراسم اول ماه مه کارگران در شهر سنندج هستیم.

۵- ما حق خود میدانیم که در صورت تداوم بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی و در اعتراض به نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی آنها، بناچار اقدامات اعتراضی خود را در راستای جلب توجه افکار عمومی به وضعیت آنان تشدید کنیم.

رونوشت به:

وزارت کار

نهاد ریاست جمهوری

مجلس شورای اسلامی

مجمع تشخیص مصلحت نظام

وزارت اطلاعات

شورای شهر سنندج

دادستانی سنندج

استاندارد کردستان

اتحادیه سراسری کارگران

اخراجی و بیکار

۳۰/۴/۱۳۸۶

www.ettehade.com

k.ekhrarji@gmail.com

شیث امانی و صدیق کریمی، دو نفر از کارگران بازداشت شده در روز جهانی کارگر هنوز در بازداشت هستند

ایلنا تهران- خبرگزاری کار ایران سخنگوی انجمن دفاع از حقوق زندانیان گفت: دو نفر از کارگران عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی سنندج هنوز در بازداشت به سر می برند. صالح نیکیبخت در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا"، گفت: این دو نفر به نام های «شیث امانی» و «صدیق سبحانی» که در ۱۱ اردیبهشت ماه همزمان با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بازداشت شدند، تا روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت در زندان بوده اند. وی با بیان اینکه خانواده این دو کارگر خواهان انتخاب وکیل از سوی انجمن دفاع از حقوق زندانیان برای آنها شده اند، تصریح کرد: انجمن با درخواست این دو خانواده موافقت کرده و قرار است اینجانب به همراه یک وکیل دیگر وکالت این دو نفر را بر عهده بگیریم.

نیکیبخت افزود: اگر این دو کارگر تا آخر این هفته آزاد نشوند، نسبت به تنظیم وکالت نامه و درخواست تبدیل قرار بازداشت آنان اقدام می کنیم.

سخنگوی انجمن دفاع از حقوق زندانیان گفت: این دو نفر به همراه یازده نفر دیگر از کارگران سنندجی در روز جهانی کارگر بازداشت شده بودند اما ۱۱ نفر از آنان در ۱۲ اردیبهشت آزاد شدند ولی این دو نفر همچنان در زندان هستند.

نیکیبخت تصریح کرد: تاکنون اتهام این دو کارگر به خانواده های آنها اعلام نشده است ولی اگر اتهام آنان مشارکت در برگزاری روز جهانی کارگر باشد، قانونی نیست که کارگری را به خاطر برگزاری مراسم روز عید خودش یا مطالبه حقوق صنفی خود بازداشت کنند. ما امیدواریم این دو کارگر سریعتر آزاد شوند.

پرونده کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج به شعبه ۱۰۴ جزایی دادگاه عمومی این شهر منتقل شد

روز سه شنبه مورخه ۱۳۸۶/۳/۱ پرونده کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه در شهر سنندج، به شعبه ۱۰۴ جزایی دادگاه عمومی این شهر منتقل شد.

آقایان: خالد سواری - اقبال لطیفی - بدالله مرادی - طیب ملاتی - فارس گوئیلیان - صدیق امجدی - عباس اندریاری - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجیبی - طیب چتانی و صدیق صبحانی در پی شرکت در مراسم اول ماه مه سنندج بازداشت، و پس از ده روز با قرار کفالت پنج میلیون تومانی آزاد شدند.

همچنین شیث امانی از ۱۲ اردیبهشت ماه و صدیق کریمی از ۱۱ اردیبهشت ماه همچنان در زندان مرکزی شهر سنندج در بازداشت بسر میبرند و امروز طبق خبری که به اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار رسیده است آنان از زندان مرکزی سنندج به اداره اطلاعات این شهر منتقل شده اند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار تداوم بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی را بشدت محکوم میکند و بدین وسیله نگرانی خود را از انتقال آنان از زندان مرکزی سنندج به اداره اطلاعات این شهر ابراز میدارد و بار دیگر از تمامی کارگران، نهادهای حقوق بشری و سازمانهای کارگری در ایران و سراسر جهان میخواند تا هر چه گسترده تر به تداوم بازداشت شیث امانی و صدیق کریمی اعتراض کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان شوند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

۱/۳/۱۳۸۶

www.ettehade.com
k.ekhrarji@gmail.com

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هر شب از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم شب به وقت ایران، ۱۲ تا ۱۳ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv> برای تماشای برنامه از طریق اینترنت

<http://www.channelonetv.com> برای تماشای مستقیم

شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82

مراسم باشکوه فستیوال شادی در دفاع از حقوق کودکان در مریوان برگزار شد



قطعنامه فستیوال " شادی را در دست کودکانمان بگذاریم" امروز آمده ام، باد بادکم را در آسمان رها کنم، من از کودکان زیر آسمانم، خورشید برای من می خندد، بادها به خاطر من می وزند، زمین زیر پای من میخوابد تا من برام آن برقصم، شادی کنم و بخندم، چشمانم زیباییها را دوست دارند، باران و رنگین کمان را دوست دارم، من کودکانه زندگی را زمزمه می کنم، من در خیالم دنیای صلح و صفا را نقاشی میکنم، دنیای من قشنگ و زیباست برای زندگی پر از صفاست. های بزرگترها خرابش نکنید!

این دنیا را من میخوام دنگش کنم.

با قلم رنگیهایم، رنگش کنم. گوش کن! ببین، من، چی میگم، چی میخوام؟ دنیایی که شما ساختی حق منو، نپرداختی کودکانش، گرسنه اند بی خانه و کاشانه اند کودکانش، کار میکنن زجر می کشن، زار می کنن نمی خواهم، نمی خواهم، این دنیا رو نمی خواهم! شرمندان باد و بس کنید! بدی ها را هرس کنید آره همیشه آره همیشه دنیا از این بهتر بشه!

ما همه کودکان و نوجوانان همراه خانوادههایمان امروز گرد هم آمدیم که با شادی و لبخند تو ذوق

طبق خبری که کانون دفاع از حقوق کودکان منتشر کرده است در شهر مریوان مراسم باشکوهی تحت عنوان فستیوال شادی را در دست کودکانمان بگذاریم، برگزار شده است که قطعنامه این فستیوال را در زیر میبینید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن شاد باش به همه دست اندرکاران این فستیوال از همه فعالین مدافع حقوق کودک میخواهد که برای عملی کردن مطالبات این قطعنامه تلاش کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مه ۲۰۰۷
۱۳۸۵/۰۲/۲۶

همه پلیدیها و زشتی های این دنیای نا برابر بزینم، گرد پرچم کانون دفاع از حقوق کودکان بهم آمده ایم که بگوئیم راه دیگری را می توان بسوی زندگی گشود، می توانیم برای دنیای انسانی همه با هم تلاش کنیم جامعه ای داشته باشیم که همه کودکان فارغ از هرگونه فقر و فلاکت، بهره کشی و ستم در آن زندگی کنند، جامعه ای سالم معادلانه و سرشار از رعایت حقوق کودک و حرمت انسانی . ما ضمن فراخوان به رعایت حقوق کودک در کلیه شئونات اجتماعی و تاکید بر اولویت تامین زندگی کودکان بر همه برنامه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشور خواستار تامین مطالبات ذیل هستیم:

- ۱- تامین فوری امنیت، مسکن و رفاه برای همه کودکان بی پناه و خیابانی .
- ۲- آموزش و پرورش رایگان برای همه ی کودکان
- ۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان
- ۴- ممنوعیت بهره کشی از کودکان
- ۵- ممنوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال
- ۶- تامین امنیت، اسایش و رفاه، برخورداری از يك زندگی شاد و انسانی برای همه ی کودکان
- ۷- ممنوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و

- ۸- تامین امنیت، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهنده، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهنده افغانی و عراقی از تحصیلات و امنیت و زندگی اجتماعی می شود.
- ۹- ممنوعیت اعدام در جامعه و ممنوعیت حکم حبس و شلاق برای کودکان زیر ۱۸ سال
- ۱۰- به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و دیگر حقوق مدنی و اجتماعی
- ۱۱- از مبارزات حق طلبانه کارگران، معلمان و دانشجویان در سراسر کشور حمایت می کنیم.
- ۱۲- عمل جنایت کارانه سنگسار دعا دختر ۱۷ ساله در کردستان عراق را به شدت محکوم می کنیم و خواستار محاکمه عاملان این جنایت هستیم.
- ۱۳- ممنوعیت بهره کشی از کودکان و نوجوانان کول بر شهرهای مرزی و تامین امنیت و زندگی برای آنها و محاکمه عاملان خشونت بر نوجوانان کول بر.

شرکت کنندگان در فستیوال "شادی را در دست کودکانمان بگذاریم" شهر مریوان ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۶

کارگران کف کار رشت مقابل استانداری تجمع کردند کارگری که ۱۱ ماه حقوقش را بالا کشیده اند خود را حلق آویز کرد

شرایط را به کارگران تحمیل کرده اند، جملگی مستقیماً در قتل حسن حسنی شریک اند. حزب کمونیست کارگری خود را در غم و اندوه خانواده حسن حسنی و همکارانش عمیقاً شریک میدانند و صمیمانه به آنها تسلیت میگوید. یاد حسن حسنی باید هرچه باشکوه تر گرامی داشته شود. حزب از همه کارگران کنف کار، از کارگران کارخانه های پوشش، پنگوئن، ریسندگی و بافندگی، نختاز، پارس خودرو، الکترونیک رشت و سایر کارخانجات این استان میخواهد

نمی دهد، کارفرما هم که کارگاه را تعطیل کرده و راه اندازی نمیکنند و در این شرایط ۲۰۰ کارگر سرگردان شده اند. بنا به گزارش سایت دولتی ایلنا کارگران به احمدی نژاد و شعارهای تو خالی اش اعتراض دارند.

کارگران قاتل رفیق شان را می شناسند: کارفرما و رژیم کارفرمایان. از استاندار تا وزارت اطلاعاتی ها و فرماندهان نیروهای سرکوب، از قانونگذاران تا روسای مملکت، از خامنه ای تا احمدی نژاد و همه مقامات ریز و درشتی که این

حسن حسنی با ۱۸ سال سابقه کار در کارخانه کنف کار رشت، به این دلیل که ۱۱ ماه حقوقش را نداده اند، به دلیل فقر و ناتوانی از تامین معاش خانواده، صبح امروز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت خود را حلق آویز کرد و جان سپرد. کارگران قاتل او را می شناسند.

۲۰۰ همکار حسن حسنی به مجرد اینکه از حلق آویز شدن رفیقشان باخبر شدند، در مقابل استانداری گیلان دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران گفته اند: تامین اجتماعی حقوق بیمه بیکاری

سراسر کشور می خواهد که به این واقعه حساسیت نشان دهند و الگوئی از يك همبستگی بزرگ و انسانی را به نمایش بگذارند.

گرامی باید یاد کارگر جانبخته حسن حسنی کارگر کارخانه کنف کار رشت که پس از ۱۸ سال کار در این کارخانه بدلیل بالا کشیدن ۱۱ ماه دستمزدش توسط کارفرما، بدلیل فقدان بیمه بیکاری و عدم تامین معاش خانواده، خود را حلق آویز کرد.

نابوده یاد نظام سرمایه داری
مرف بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مه ۲۰۰۷
۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶

دست به يك اقدام متحدانه بزنند و با برگزاری مراسم بزرگداشت حسن حسنی، به قاتلان او و مسببین این اوضاع فلاکتبار اعتراض کنند. همدردی در قتل رفیق کارگر را باید به يك همبستگی طبقاتی بزرگ تبدیل کرد. حزب از همه دانشجویان رشت و شهرهای اطراف و همه مردم شریف و زحمتکش استان گیلان می خواهد به هر شکل میتوانند در بزرگداشت حسن حسنی شرکت کنند. برای خانواده رفیق کارگیشان پیامهای تسلیت و محبت آمیز و گل بفرستند و برای بزرگداشت او مراسم بگیرند. حزب از همه مراکز کارگری، از کلیه تشکل ها و فعالین کارگری، از دانشجویان آزادیخواه، از معلمان و از همه مردم آزادیخواه در

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای، خواستار آزادی سریع شیث امانی، رئیس هیات مدیره، و صدیق کریمی، عضو هیات مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ایران، شد

در بیانیه سازمان عفو بین الملل، از محل نگهداری شیث امانی و صدیق کریمی در سلول انفرادی، و همچنین، احتمال شکنجه این دو فعال کارگری، و یا بدرفتاری با آنان، ابراز نگرانی شده است.

این سازمان اعتقاد دارد که این دو فعال کارگری، زندانی عقیدتی هستند، و تنها به دلیل ابراز مسالمت جویانه عقایدشان، بازداشت و زندانی شده اند.

در بیانیه عفو بین الملل آمده است: شیث امانی و صدیق کریمی در میان ۴۰۰ نفری بودند، که در

محل اقامت شان و اتهامات وارد آمده به آنان ندارد.

عفو بین الملل در همین ارتباط، خاطر نشان می کند که در ماه های اخیر، اعضای جنبش کارگری ایران، تجمع های فراوانی را با هدف جلب افکار عمومی به شرایط کاری و زندگی خود برگزار کرده اند. با این همه، این تجمع ها، در روز اول ماه مه، در شهرهای سنندج و تهران توسط نیروهای امنیتی در هم کوبیده شد. همچنین، در ماه های مارس و آوریل گذشته، صدها معلم، که اکثر آنها عضو تشکل های

گردهمایی روز اول ماه مه در سنندج، مرکز استان کردستان ایران، شرکت کردند تا مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنند. اما در پی این گردهمایی، شمار نامعلومی بازداشت شدند. این سازمان با اشاره به اینکه حداقل ۱۲ نفر تا روز ۱۰ ماه مه، و یک فرد دیگر روز ۱۲ ماه مه با وثیقه آزاد شدند، می افزاید: شیث امانی و صدیق کریمی، تنها تظاهرکنندگانی هستند، که توسط مقام های جمهوری اسلامی در زندان نگه داشته شده اند. این درحالیست که عفو بین الملل هیچ خبری از

صنفا بودند، در ارتباط با گردهمایی هایی که از ماه مارس گذشته و با هدف افزایش دستمزد و بهبود شرایط کاری آغاز شد، بازداشت شدند.

عفو بین الملل در این بیانیه می افزاید: آزار و بازداشت رهبران کارگری، همراه با بازداشت فعالان دانشجویی، و حقوق زنان، به عنوان سرکوب آشکار حقوق بین المللی آزادی بیان و آزادی تشکل است، که از سوی مقام های ایرانی، به رسمیت شناخته شده است.

این سازمان، در عین حال، خواستار آن شده است، که مدافعان حقوق بشر در کشورهای جهان، نامه هایی را برای آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، آیت الله

محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، غلامحسین محسنی اژه ای، وزیر اطلاعات، و نسخه های آنها را برای اسماعیل نجار، استاندار کردستان، و نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای محل اقامت خود ارسال کند.

در بیانیه عفو بین الملل آمده است که نویسندگان این نامه ها، از جمله، خواستار امکان ملاقات شیث امانی و صدیق کریمی با خانواده های شان، انتخاب آزادانه وکلای مدافع از سوی این دو فعال کارگری، اعلام دلایل بازداشت آنها، و آزادی سریع و بی قید و شرط شیث امانی و صدیق کریمی شوند، که از اول ماه مه در سلول های انفرادی به سر می برند.

گزارش تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان

روز چهارشنبه ۱۶/۵/۲۰۰۷ دانشجویان مرکز پیام نور مریوان در اعتراض به ساختار نامنظم مدیریتی و فکری دانشگاه برای چندمین بار متوالی تجمع اعتراضی کردند. در این تجمع که در سالن دانشگاه پیام نور مریوان برگزار شد تعداد کثیری از دانشجویان این مرکز شرکت کرده بودند و با در دسا داشتن پلاکارد هایی و خواندن سرود یار دبستانی من اعتراض خود را به سیستم مدیریتی ضعیف و ناکار آمد دانشگاه اعلام کردند. بیشترین اعتراض دانشجویان نسبت به ریاست دانشگاه بود که چندین ماه است به بهانه استعفا دادن در دانشگاه حضور نداشته و باعث ایجاد اختلال در بسیاری از کارهای اداری دانشجویان شده است.

در همین راستا با یکی از کسانی که مدیریت این تجمعات را بر عهده داشت مصاحبه ای انجام دادم و سوالاتی از ایشان پرسیدم که متن این سوالات و پاسخ ایشان ذکر شده است.

۱- اولین تجمع دانشجویان مرکز از چه تاریخی شروع شده است و مطالباتی که شما را وادار به اعتراض کرده است چه چیزهایی هستند؟

برای اولین حرکت در تاریخ ۳/۲/۸۶ جمعی از دانشجویان جهت حل مشکلات دانشجویان با فرماندار مریوان دیداری را برگزار نمودند، اما بعد از ۱۰ روز انتظار کوچکترین اقدامی جهت حل مشکلات ما انجام نشد. به همین دلیل در تاریخ ۱۲/۲/۸۶ تجمع اعتراضی دانشجویان د راعتراض به وضعیت موجود در دانشگاه شروع شده است و تا پاسخگویی مسئولین به مطالبات دانشجویان ادامه خواهد داشت.

مشکلات ما دانشجویان مرکز پیام نور مریوان به شرح زیر است:

۱- ضعف مدیریت:

الف) عدم حضور ریاست در دانشگاه در مدت ۸ ماه گذشته و امضای نامه های اداری و دانشجویی در خارج از دانشگاه (منزل شخصی ریاست دانشگاه)

ب) عدم نظارت کافی بر وضعیت اداری و پرسنل دانشگاه.

ج) برخورد نا مناسب و تحقیر آمیز با دانشجویان

د) ممانعت از اجرای فعالیت های دانشجویی (علمی و فرهنگی)

مجهز و مناسب
الف) نداشتن سالن مطالعه
ب) نداشتن کتاب و منابع کافی
ج) ضعف مدیریت کتابدار و برخورد نا مناسب وی با دانشجویان به صورتی که دانشجو ز کتابخانه فراری می باشد.

۴- کمبود فضای مناسب آموزشی و تفریحی

الف) نداشتن فضای مناسب برای برگزاری کلاسهای رفع اشکال

ب) نا مناسب بودن محوطه دانشگاه

ج) سهل انگاری در واگذاری فاز دوم ساختمان دانشگاه

۵- جلوگیری از فعالیت های علمی و فرهنگی دانشجویان

۶- عدم وجود بوفه و تغذیه سالم و بهداشتی برای دانشجویان

۷- عدم وجود سرویس ایب و ذهاب (در حالی که فاصله دانشگاه از شهر بیش از ۳ کیلومتر است)

۸- حاکم بودن جو امنیتی و خفقان در دانشگاه و اختناق که بر دانشجویان تحمیل شده است

همچنین قابل ذکر است که تعداد ۹ دستگاه کامپیوتر از این

مرکز به سرقت رفته است اما هیچ کدام از مسئولین این ماجرا را پیگیری نکرده اند و حاضر به پیگیری نیستند.

۲- آیا از سوی مسئولین و ریاست دانشگاه تا بحال پاسخی به شما داده شده است؟

ریاست دانشگاه هر بار با بهانه های واهی و وعده وعید های دروغین دانشجویان را به آرامش فراخوانده است. خانم رسائی رئیس این مرکز هر بار به بهانه استعفا دادن خودش شانه از مسئولیت خالی کرده است. زمانی با وعده انتخاب شدن رئیس جدید و پوچ بودن این وعده و زمانی به بهانه استانی شدن مرکز پیام نور (که ۲ ماه است استانی شده است) و به شیوه های دیگر از قبول مسئولیت امتناع می کردند و مشکلات دانشجویان را نادیده گرفته اند و تا بحال هیچ گونه جواب قانع کننده ای به دانشجویان در خصوص رفع مشکلاتشان داده نشده است.

۳- در صورتی که مسئولین دانشگاه به خواسته های شما که ابتدایی ترین حقوق یک دانشجو به حساب می آیند توجه نکنند چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

در این راه اکثر دانشجویان با ما همراه و هم صدا هستند. همه ما با تمام توان به اعتراضات ادامه خواهیم داد و حتی اگر دامنه این تجمعات اعتراضی به دوران

امتحانات دانشگاه کشیده شود حاضر به شرکت در امتحانات نخواهیم شد و تا گرفتن جواب قانع کننده مسئولین و کسب ابتدایی ترین حقوق خود به این تجمعات ادامه خواهیم داد.

البته قابل ذکر است که در این تجمع که در سالن طبقه دوم دانشگاه پیام نور و در جلوی دفتر ریاست انجام شد خانم رسائی که اوضاع را شلوغ دیدند به ترفند هایی خود را به جمع دانشجویان وارد کردند و زیرکانه خواستند که خود را هم صدا با دانشجویان معترض نشان دهند. اما خوشبختانه چنین ترفند هایی دیگر در دانشجویان تاثیر نخواهد داشت. خانم رسائی که مجبور به شنیدن انتقادات دانشجویان شد و هر بار که سوالی از وی پرسیده می شد با جواب های بی معنی و غیر قابل قبول شانه خود را از مسئولیت وارده خالی می کردند.

در پایان امیدوارم دانشجویان مرکز پیام نور مریوان که حتی این حق را نداشته اند که نشریه دانشجویی را انتشار دهند و رئیس این دانشگاه نشریات دانشجویی را غیر قانونی می خواند به حقوق ابتدایی خود دست یابند و به اعتراضات خود ادامه دهند تا لحظه پیروزی آنها در این راه.